

کرسی قضاوت تکیه گاه چه اشخاصی است ؟

کسی را برای منصب قضاوت انتخاب کن که در نظر تو از همه افراد ملت برتر باشد ، آنکس که قضایای گوناگون او را بستگ نیابورد و اصحاب دعوی و دفاع آنان ، وی را تنگ حوصله نسازند ، در لغزشها و اشتباهات اصرار نرزد و هنگام شناخت حق ، بآن گردن نهد ، بسوی حرص و طمع نگراید و در قضاوت به درك سطحی و ابتدائی اکتفا نکند و در بررسی عمیق قضایا کوشا باشد (۱) ...

اساس قضاوت در اسلام بر اجراء عدالت و ایجاد رفاه عمومی و جلوگیری از ستم و فساد در جامعه ، گذارده شده و طبعا داوران هم مظهر عدالت و معجری حقوق شناخته شده اند و لذا مسئولین این مقام کاملا محدودند و تنها باید بر طبق حق و قانون رفتار نمایند و از مرز عدالت خارج نگردند و این خودیکی از عوامل موثر و قابل توجه امنیت و بقاء اجتماع بشری است زیرا ما ملاحظه می کنیم ایجاد شرائطی که تمام افراد يك جامعه تابع يك قانون باشند و مرجع واحدی بدون رعایت هیچ امتیازی ، قانون را نسبت به تمام افراد یکسان اعمال کند ، یکی از هدفهای اساسی گروههای انسانی در سیر تحول و تکامل تمدن بوده است و تجزیه و تحلیل علت واقعی شورشها و انقلابها از نظر جامعه شناسی برای برقراری چنین موقعیتی بوده چون انگیزه شورش و طغیان اجتماعات غالبا یا فقدان قوانین لازم و مناسب می باشد و یا عدم اجراء قوانین نسبت به تمام افراد يك نحوویك اندازه . و از همین رهگذر فکر تفکیک قوای سدگانه در بحثهای حقوقدانان و جامعه شناسان جان می گیرد و نظر افرادی را که طرفدار

برقراری يك رژيم حكومت دموكراتيك واقعي هستند، جلب مي‌كند و لزوم استقلال سازمان قضائي از تشكيلاتي كه قانون را وضع مي‌كند و يا قدرت اجرائيه را قبضه کرده است، آشكار مي‌شود و نظر باینكه تا مین استقلال قضائي در سایه قضاات مستقل، پاكدامن و غير قابل نفوذ و انعطاف، ميسر خواهد بود، قبل از بررسی استقلال قضائي بايد سراغ عاملي رفت كه اين استقلال را تضمين كرده و از عوامل امنيت قضائي و بطور كلي نگهداري پيوندها و روابط اجتماعي است ...

بدیهی است برای تا مین استقلال يك کشور در مرحله اول بايد مردم آن قوی و نیرومند گردند و تادر خود مرد م نیروی مقاومت در برابر دسائس خارجي و داخلي وجود نداشته باشد، استقلال واقعي امکان پذير نخواهد بود و همچنين برای تا مین استقلال قضائي هم بايد افرا دي با ايمان و فهميده و آنها كه داراي تمام شرائط علمي و اخلاقي شغل قضا هستند، بر كرسی قضاوت تكيه زنند و در ميان مردم داوري كنند و در اين صورت بطور طبيعي دستگاه قضائي هم مستقل خواهد شد هر چند كه قانوني استقلال آنرا تضمين نكرده باشد ولي اگر دادرسان و متصدیان امور قضائي را مردمانی ناتوان و بی ايمان تشكيل دهند، سازمان قضائي استقلال واقعي نخواهد داشت ولو اينكه قانونا استقلال آن بر سمیت شناخته شده باشد، زیرا آن قاضي بی شخصیت و فرومایه ای كه در برابر مبلغ ناچيزی رشوه و يا يك درجه مقام حق را ناحق مي‌كند و ناحق را حق جلوه ميدهد، امکان ندارد كه استقلال رای داشته و از عهده احقاق حق و اجراي عدالت بر آید و تظاهر او هم به صلاح و تقوی دامي است برای اغفال و گمراه نمودن مردم!

و یا آن دادرسی مایه ای كه در تشخیص « مدعی و مدعی علیه » و یا بتعبير نویسندگان آئین دادرسی « خواهان و خواننده » عاجز است و آن قاضي كه از درك مفاهيم « عام و خاص » و یا « مطلق و مقید » ناتوان می‌باشد و آن حاكم دادگاهی كه مابین « عقد و ایقاع » فرق نمی‌گذارد و رایش را رئیس دفتر و یا منشی دادگاه و احیاناً یکی از وكلاي دادگستری اثناء می‌کنند! (۲) بطور مسلم مقاومت برای استیفاء حقوق و بخاطر عدالت برای او مفهوم ندارد، چون رعایت حق و عدالت فرع بر تشخیص آست و چنین قاضي تحصیل نكرده و بی‌مایه ای كه از تشخیص حق عاجز است و از معنی و مفهوم عدالت بی‌خبر، ممكن نیست كه بخاطر حق و برای رعایت عدالت مقاومت كند و از خود استقلال رایی ابراز دارد.

صفات و وظائف قاضي

ما از آیات فراوانی كه در قرآن مجید در مورد قضاوت وجود دارد، بخوبی

می‌توانیم داوران بحق را از قاضیان بناحق باز شناخته و آیات الهی را ملاک و مقیاس قرارداده و راستی بفهمیم که: کرسی قضاوت تکیه‌گاه چه اشخاصی است؟ خداوند میفرماید: در اجرای عدالت مستقل و مستقیم باشید و برای خدا و جلب رضای او شهادت بدهید، هر چند که این شهادت بر ضرر خودتان و یا بزبان پدران و مادران و خویشاوندان نزدیک شما باشد و در مقام قضاوت به فقر و غنای اصحاب دعوی توجه نکنید (فقرا را بعلت فقر مورد ترحم قرار ندهید و در برابر غنای ثروتمندان خاضع نشوید) خداوند بآنها سزاوارتر است (۱).

خداوند ب شما امر می‌کند که هنگام قضاوت میان مردم، بعدالت دآوری کنید (۲) مآقرآن را بر اساس حق نازل نمودیم برای اینکه میان مردم بآنچه که خدا فرموده است حکم کنی و در این امر از خائنین جانبداری ننمائی (۳).

اینها نمونه‌هایی است از تحذیر و توجه قرآن کریم درباره عظمت مسئولیت قضاوت که تصدی آن کار هر بی‌سروپائی نیست و تنها افراد پرهیزکار و دانشمند می‌توانند بر کرسی قضاوت تکیه زده و این مقام خطیر و پرمسئولیت را احراز کنند. از آیات مزبور اینطور استفاده می‌شود که قاضی اجازه ندارد خصوصیات شخصی و خانوادگی و اجتماعی طرفین دعوی را در مقام قضاوت مورد توجه قرار دهد، بلکه وظیفه او تنها کشف حق و حکم بر طبق آن می‌باشد. و با الهام از قرآن و روایات و احادیث این باب است که می‌بینیم، قاضی از نظر مقررات فقه اسلامی علاوه بر ایمان و عدل و علم و پاکدامنی و شجاعت و صبر و حلم، باید شغل خود را بعنوان یکی از عبادات بشناسد و مزد عمل خود را از خدا بخواهد و در حال شادی شدید و خشم و غضب، سیری زیاد و گرسنگی، سرمای زیاد و گرمای فوق‌العاده به امر قضاوت مبادرت نوزد و همچنین بین طرفین دعوی مساوات کامل برقرار کند و آنها را در اکرام و احترام در یک سطح قرار دهد. (۴)

علی علیه السلام در این باره میفرماید: قاضی باید میان متهمین درنگاه و اشاره و مجلس مساوات قائل شود. (۷)

مصادیق این مساوات آنطور که فقهاء عالمقام اسلام بآن تصریح نموده و جزو شرائط حتمی و الزامی قاضی شمرده‌اند عبارت است از:

- ۱- سوره نساء آیه ۱۴۳.
- ۲- سوره نساء آیه ۶۱.
- ۳- سوره نساء آیه ۱۰۵.
- ۴- شرایع کتاب ققضاء.
- ۵- من ابنتی بالقضاء فلیواس بینهم فی الاشارة، وفی النظر وفی المجلس (تهذیب الاحکام ج ۶ صفحه ۲۲۶)

۱- مساوات بین دوطرف دعوی در اسلام و قاضی نمی‌تواند برای یکی خصوصیت قائل شود و از دیگری روگرداند بلکه باید تشریفات تکریم و احترام را نسبت با آنها بیک اندازه انجام دهد .

۲- مساوات در اذن ورود جلسه دادگاه و داور نمی‌تواند به یکی اجازه دهد و دیگری را از ورود به دادگاه منع کند .

۳- مساوات میان آنها در کلام باین معنا که قاضی نباید با یکی از متهمین صحبت کند و در برابر دیگری سکوت نماید .

۴- مساوات در مجلس ، یعنی جایز نیست قاضی یکی از متهمین را در صدر مجلس جای دهد و دیگری را در پائین جلسه بنشاند بلکه باید هر دو طرف بطور مساوی در برابر قاضی قرار گیرند .

۵- مساوات در نگاه ، آنطور که اگر بایکی از آنها باتمام صورت مواجه میشود و باو نگاه می‌کند ، باید نسبت بدیگری هم همین عمل را انجام دهد .

۶- مساوات در استماع دفاعیات متهمین قاضی نمی‌تواند در این قسمت هم تبعیض قائل شود و بدفاع یکی از دوطرف گوش فر دهد و از استماع سخنان طرف دیگر سر باز زند .

۷- مساوات در اجراء عدل و انصاف میان طرفین دعوی (۱)

۸- مساوات در پیشنهاد طرح دعوی- باین معنی که بهیچ يك از آن دو پیشنهاد نکند که شکایت خود را طرح کن ، بلکه باید بگوید آنکس که شکایتی دارد عنوان کند.

۹- قاضی نباید بهیچ يك از طرفین دعوی کمک و راهنمایی در کیفیت طرح دعوی نماید ، بلکه باید آنها را بخود واگذارد :

چنین مساوات دقیق و جامع الاطرافی که اسلام تشریح نموده ، نظیر آنرا در هیچ يك از نظامهای دیگر نخواهیم یافت و در تاریخ پهناور قضاوت ، تنها قضات عادل و پرهیزکار اسلامی بودند که باین امور توجه داشتند ، همان دادرسانی که دانشمند بزرگ و روشن دل انگلیسی « کارلابل » درباره آنها میگوید :

« جهان بشریت در تاریخ طولانی خود قضاتی عادلتر از قاضیان اسلام و حکامی مهربانتر از احکام اسلامی بخود ندیده است .»

و چنین قاضیانی حق دارند بر کرسی قضاوت تکیه زنند و در میان مردم داوری نمایند .